

# The Semiological Study of Lorestan Tribal Clothing and its Efficiency on Cultural Identity

Soheila Nourahmadi<sup>1</sup>, Vahid Mohammadi<sup>2</sup>, Masoud Mohammadzadeh<sup>3</sup>

<sup>1</sup> M.A. Department of Fabric, Textile and Cloth Design, Islamic Azad University, Qaemshahr Branch, Qaemshahr, Iran

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Textile & Cloth, Islamic Azad University, Qaemshahr Branch, Qaemshahr, Iran

<sup>3</sup> Phd Student, Department of art and architecture, IAU, Tehran, Iran

(Received: 24.01.2021, Revised: 24.04.2021, Accepted: 17.05.2021)

(Doi: 10.22075/AAJ.2021.18791.1087)

## Abstract:

Clothing is one of the most significant tools in formation and development of a culture. After the age of structuralism and modernism, the researchers in postmodernism era, have paid a peculiar attention to the past traditions, religion and the art of tribes. Accordingly, a wide range of studies have been done on patterns, symbols and art of ethnic groups. The semiotic approach was presented by Saussure and pierce's view in the first half of 20<sup>th</sup> century and was used in many applied researchers in order to read the structural and semantic system of signs and symbols in artworks. Analytical reading of tribal clothing with a semiotic approach, will face us with deep cultural layers and acquaints us with understanding the ideology and the native culture within the civilizations. In the research process, we will study the used elements in clothes (men's and women's) such as shape, color and motifs. Understanding symbolic signs, icons and hyper-icons in clothes, acquaints us with a set of valued systems and aesthetic, individual, social and cultural functions of ethnic groups. This research was done on 13 samples from some clothes and accessories of Lorestan ethnic groups in order to identify the signs and symbols in determining their culture, customs and clothing. The research is a qualitative- applied and its analysis is inferential-Descriptive. Collecting data was library and field method through Cultural Heritage library, museum of anthropology and traditional markets. The result of the studies show that in forming Lorestan tribes' clothing, some factors such as national and religious beliefs, customs, religion and climate are effective. The influence of these factors in the shape, design, color, fabric and utilizing the combination of cultural-economic instruments in a piece of clothing indicates the complete Coverage, authenticity, beauty and respect of these ethnic groups on individuals and society.

**Keywords:** Races' clothing, Lorestan, Emblem and symbol, Culture, Semiotic

---

<sup>1</sup> Email: Banoo.soheil@gmail.com

<sup>2</sup> Email: Dr.vahid.mohammadi705@gmail.com

<sup>3</sup> Email: mtypedesign@gmail.com

# مطالعه نشانه‌شناسی پوشاک اقوام لرستان در

## تبیین هویت فرهنگی\*

سهیلا نوراحمدی<sup>۱</sup>، وحید محمدی<sup>۲</sup>، مسعود محمدزاده<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد، گروه طراحی پارچه و لباس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار، گروه مهندسی نساجی و پوشاک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران

<sup>۳</sup> دکتری پژوهش هنر، گروه هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۵، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۲/۲۷)

(Doi: 10.22075/AAJ.2021.18791.1087)

### چکیده

پوشاک، یکی از مهم‌ترین ابزار شکل‌گیری و توسعه فرهنگ است. پژوهشگران با عبور از دوره ساختارگرایی و عصر مدرنیسم و رسیدن به دوره پست‌مدرنیسم، توجه ویژه‌ای به سنن گذشته، آیین و هنر اقوام نشان داده و به مطالعه کهن‌الگوها، نمادها و هنرهای اقوام پرداخته‌اند. رویکرد نشانه‌شناسی، با دیدگاه‌های سوسور و پیرس در ابتدای نیمه اول قرن بیستم مطرح شده و در بسیاری از پژوهش‌ها برای خوانش نظام ساختاری و معنایی نشانه و نمادها در آثار هنری به کار رفته است. خوانش تحلیلی پوشاک اقوام با رویکرد نشانه‌شناسی، گونه‌ای از این کاربرد است که ما را با لایه‌های عمیق فرهنگی روبه‌رو می‌کند و با جهان‌بینی و فرهنگ بومی درون تمدن‌ها آشنا می‌سازد. در پژوهش حاضر، به مطالعه عناصر به‌کاررفته در دوازده نمونه پوشاک مردانه و زنانه می‌پردازیم. برای این کار، مؤلفه‌های شکل، رنگ، بافت، اندازه و نقش‌مایه‌ها را واکاوی می‌کنیم. شناخت نشانه‌های نمادین، آیگون و هایپرایکون به‌کاررفته در پوشاک، ما را با مجموعه‌ای از نظام ارزشی، کارکردهای زیبایی‌شناختی، فردی، اجتماعی و فرهنگی اقوام آشنا می‌کند. مسئله اصلی پژوهش، آن است که ماهیت نظام ساختاری و نظام معنایی نشانه و نمادها را در تعامل با هویت فرهنگی متأثر از پوشاک اقوام لرستان، مورد خوانش قرار گیرد. پژوهش، اهداف کاربردی و از نوع کیفی دارد که با روش پژوهش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی و میدانی از طریق مراجعه به کتابخانه میراث فرهنگی، موزه مردم‌شناسی و بازارچه‌های سنتی انجام گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری پوشاک اقوام لرستان عبارت‌اند از: اعتقادات ملی-آیینی، همچون سنت، آداب و رسوم، مذهب و شرایط اقلیمی. تأثیر این عوامل در شکل، طرح، رنگ و جنس پارچه و بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی-اقتصادی در یک لباس، بیانگر پوشیدگی، اصالت، زیبایی و ارزش‌گذاری این اقوام بر فرد و اجتماع است.

**واژه‌های کلیدی:** پوشاک اقوام، لرستان، نماد و نشانه، فرهنگ، نشانه‌شناسی.

\* مقاله مستخرج شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان "مطالعه تحلیلی پوشاک اقوام لرستان در تبیین هویت فرهنگی به روش نشانه‌شناسی" در رشته طراحی پارچه و لباس با راهنمایی آقای دکتر وحید محمدی است که در شهریورماه ۱۳۹۶ در دانشگاه آزاد قائمشهر دفاع شده است.

<sup>1</sup> Email: Banoo.sheil@gmail.com

<sup>2</sup> Email: Dr.vahid.mohammadi705@gmail.com

<sup>3</sup> Email: mtypedesign@gmail.com

## مقدمه

در آغاز زندگی بشر و در جوامع نخستین، پوشاک جنبه و نقش حفاظتی داشته و برای مصون نگه داشتن بدن انسان از تهدید تهاجمات طبیعی و اقلیمی و آسیب‌های ناشی از شرایط آب‌وهوایی به کار می‌رفته است. با ورود انسان به زندگی اجتماعی و توسعه فعالیت‌های جمعی و فرهنگی و شکل‌گیری عقاید دینی-مذهبی در ذهن مردم، پوشاک، نوع، رنگ، جنس، شکل و سبک دوخت زمینه آن، نقش فرهنگی یافت و کارکرد اجتماعی و فرهنگی نمادینش برجسته‌تر شد (پارشاطر، ۱۳۸۳: ۱۷).

یکی از ویژگی‌های اقوام در ایران، پوشاک آنان است. اجزای پوشاک زنان و مردان لرستان، هرکدام عناصر نشانه‌ای برای شناخت هویتی آنان محسوب می‌شود. پوشاک زنان و مردان لر، هر دو، بخشی از نظام فرهنگی است که مراحل تولید تا مرگ را در مدار زندگی و اختلاف جنسی، منزلت دینی و پیوندهای مردم با نیروی فراطبیعی مشخص می‌کند. شناخت نشانه‌ها در پوشاک اقوام لرستان، براساس رابطه بین نشانه دیداری صورت می‌پذیرد. بنابراین باید گفت نشانه‌ها در پوشاک اقوام، عناصر بسیار قدرتمندی هستند و به راحتی ما را متوجه جایگاه اقوام می‌کنند. تمام اجزای پوشاک مردان و زنان لر، زبان نشانه‌ای گویای اقوامی هستند که دارای چنان قدرت و نیرویی‌اند که سرپیچی مفهومی از آن اجتناب‌ناپذیر است (شمسی، ۱۳۹۴: ۲).

انسان، معنا را از طریق تولید و تفسیر نشانه‌ها به وجود می‌آورد. نشانه‌ها معمولاً به شکل کلمات، اصوات، تصاویر، بوها، حرکات و اشیا ظاهر می‌شوند؛ اما این چیزها بالذات معنادار نیستند و با انتساب معنا، به نشانه تبدیل می‌گردند. از نظر پیرس، هیچ چیز نشانه

نیست، مگر آنکه به‌عنوان نشانه تفسیرش کنیم. در واقع هر چیزی که به‌عنوان دلالتگر، اشاره‌گر به چیزی غیر از خودش تلقی شود، می‌تواند نشانه باشد. استفاده معنادار از نشانه‌ها در کانون اهمیت نشانه‌شناسی قرار دارد (چندلر، ۱۳۹۴: ۴۱). پوشاک، عمری به‌اندازه فرهنگ بشر دارد و به‌مثابه همراه همیشگی انسان، دارای اهمیت فراوانی است. انسان بنابر مقتضیات اقلیمی، آداب، رسوم، فرهنگ و تمدن خود، به آفرینش لباس‌های گوناگون پرداخته و در طراحی، دوخت و تزئین البسه، ابتکارات گوناگونی به کار برده است که به نوعی می‌توان آن را بازتاب زیبایی‌شناختی و هنر اقوام مختلف برشمرد. نشانه‌شناسی، یکی از روش‌های تحلیل متن است که در آن، هر متنی می‌تواند به‌مثابه دال‌هایی برای تولید معنا به کار گرفته شود. این رویکرد، روشی برای تحلیل چگونگی انتقال معنا به‌واسطه بازنمایی‌های هستی و ادراکی است (کارکن جلال، ۱۳۹۱: ۲).

تگه‌ای از پوشاک، پیش از اینکه نشانه تلقی شود، ممکن است در یک نگاه بسیار معمولی، محافظ ما در برابر اوضاع مختلف آب‌وهوایی و... باشد؛ اما رویکرد نشانه‌شناسانه، به این مسئله می‌پردازد که تگه‌های پارچه و لباس، چگونه به نشانه تبدیل می‌شوند و در یک فرهنگ، ارزش دلالتی می‌یابند (سجودی، ۱۳۸۹: ۱۳). پوشاک می‌تواند حاوی ارزش‌های فرهنگی و معنایی باشد و مفاهیمی را نمایان سازد که از طریق نشانه و نمادها به مخاطب منتقل می‌شود. با توجه به کاربرد پوشاک به‌عنوان یکی از نشانه‌های هویت‌بخش فردی و اجتماعی در هر جامعه، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه با استفاده از علم نشانه‌شناسی می‌توان موقعیت اجتماعی، مذهبی، اعتقادی و باورهای اقوام گذشته را شناخت؟ ارتباط میان مضامین نشانه و

نمادهای به‌کاررفته در پوشاک اقوام، با فرهنگ بومی آنان چیست؟ چگونه با تحلیل متن می‌توان در لایه‌های ساختاری و معنایی برخی از آثار رمزگشایی داشت؟

آنچه ضرورت توجه به مطالعه پوشاک اقوام در لرستان را آشکار می‌سازد، شناساندن فرهنگ ایرانی و نشانه‌های بارز در پوشاک اقوام لرستان با علم نشانه‌شناسی و عوامل تأثیرگذار بر نوع پوشش این اقوام است. پوشاک اقوام لرستان، نشانه‌ای از ضمیر درونی و معرف اصالت و هویت مردم این دیار است. شناخت نشانه و نمادهای پوشاک اقوام و نیز تحلیل نشانه‌معناشناسی آن‌ها، از جمله اهدافی است که نگارندگان مقاله در پیش گرفته‌اند که با تکیه بر رویکرد نشانه‌شناسی و طرح دیدگاه‌های سوسور، پیرس و بارت مطرح می‌شود تا از طریق آن بتوان دریافت که لباس به چه مؤلفه‌هایی دلالت دارد. در این مقاله سعی خواهد شد از مطالعه طرح نقش و نقش‌مایه‌ها در تحلیل پوشاک اقوام لرستان استفاده کرد، از طریق شناسایی نشانه‌ها، به افکار، عقاید و شیوه زندگی این نژاد اصیل ایرانی پی برد، آنچه را در پس افکار و اعتقادات گذشتگان بوده است، واکاوی کرد و درنهایت، با گشودن رمز این نشانه‌ها، به مطالعه و شناخت فرهنگ غنی ایرانی در پوشاک پرداخت.

### روش پژوهش

این پژوهش با دیدگاه تحلیلی و با استناد به رویکرد نشانه‌شناسی، سعی دارد از این علم برای خوانش پوشاک اقوام لرستان بهره بگیرد. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. در ابتدا با روش توصیفی میان نظریات، ارتباط برقرار کرده‌ایم تا بتوانیم به کمک این روش، ساختار و معنا را در پوشاک اقوام لرستان

بررسی کنیم. نوع تحلیل‌ها کیفی است. جامعه آماری پژوهش، برگرفته از پوشاک اقوام زیست‌بوم لرستان است. پیکره مطالعاتی پژوهش، به‌صورت هدفمند، دوازده نمونه از البسه و ملزومات اقوام لرستان را در سه بخش پوشاک زنان، مردان و ابزار فرهنگی دربر گرفته که برای شناسایی نشانه و نمادها در تبیین فرهنگ، آداب و پوشش این اقوام انتخاب شده‌اند. معیار انتخاب نمونه‌های موردی، تنوع‌پذیری است تا حدی که اشباع اطلاعات صورت بگیرد. در تحلیل نمونه‌های موردی، از دو منظر ساختارگرایی و پساساختارگرایی، به رویکرد نشانه‌شناسی پوشاک پرداخته شده است. از دیدگاه ساختارگرایی سوسور، نشانه همواره از فرایند دلالت‌گری میان دال و مدلول شکل می‌گیرد و همواره مفهوم مشخصی را به مخاطب منتقل می‌کند. این نگاه شناختی، منطقی و استدلالی است. به‌واسطه دیدگاه پساساختارگرایی، در خوانش نشانه و نمادهای پوشاک می‌توانیم با نگاهی غیرتعیینی، وجودگرا و پدیداری، به بررسی لایه‌های عمیق معنایی نشانه‌ها در متن هنری بپردازیم. عملیات جمع‌آوری پیکره مطالعاتی به‌صورت میدانی و براساس عکاسی از نمونه‌های پوشاک اقوام لرستان انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی از طریق مراجعه به کتابخانه میراث فرهنگی و موزه مردم‌شناسی و بازارچه‌های سنتی و منابعی همچون کتاب‌ها و مقاله‌های معتبر پژوهشی صورت گرفته است.

### پیشینه پژوهش

صرف‌نظر از کتاب‌هایی که بر مبنای نظریه‌های نشانه‌شناسی اقتباس شده از اندیشمندان مختلف، در خوانش متون نوشته شده است، در ایران سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی در زمینه زبان‌شناسی،

نشانه‌شناسی، معرفی، کاربرد و ارتباط آن با سایر حوزه‌ها صورت گرفته، اما رویکرد نشانه‌شناختی به پوشاک، اولین بار توسط رولان بارت بر روی تعداد زیادی از مجلات پوشاک و مد در زمان خود انجام شده است (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۹). کتاب *اتاق روشن* رولان بارت (۱۳۹۴) و کتاب *از نشانه‌های تصویری تا متن*، تألیف بابک احمدی (۱۳۹۴)، منابعی هستند که بیشتر به نشانه‌شناسی فیلم می‌پردازند. کتاب *نشانه‌شناسی تئاتر*، از مرضیه صفری‌نژاد (۱۳۹۲) نقش لباس و طراح لباس را به‌منزله گزینشگر، سازمان‌دهنده، ترکیب‌کننده و وحدت‌دهنده نشانه‌های دیداری بررسی می‌کند. تنها کتاب موجود درباره مباحث مشترک نشانه‌شناسی و پوشاک در ایران، *نشانه‌شناسی پوشاک زنان ترک و کرد*، تألیف معصومه سیف محمدی (۱۳۹۵) است که نویسنده در آن به معرفی پوشاک زنان و سپس مقایسه آن‌ها می‌پردازد. در پایان‌نامه‌ها نیز تحقیقاتی انجام شده است. راضیه کارکن جلال و همکاران (۱۳۹۱) با نشانه‌شناسی پوشاک ایرانیان در دوره قاجار دریافتند که بررسی پوشاک در چارچوب نظریه‌های نشانه‌شناسی امکان‌پذیر است و تگه‌های مختلف پوشاک، مانند نشانه، حاوی معانی متفاوت و چندگانه‌ای هستند که بیانگر سن، جنسیت، مذهب، فرهنگ و تعلق فرد به طبقه‌ای خاص است. ناهید محمدعلی‌نژاد (۱۳۸۹) با بررسی نشانه‌شناختی پوشاک اقوام بلوچ، دریافت که پوشاک این اقوام با دین، مذهب، اقلیم و موقعیت جغرافیایی، رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. شمسی کاکاوند و همکاران (۱۳۹۴) نیز با مطالعه موردی پوشاک معاصر زنان قوم کرد کرمانشاه، به این نتیجه رسیدند که پوشاک زنان کرد، پوششی است که ضامن عفت و مصونیت آنان است و ارزش‌هایی چون تقدّم و تقدّس

خانواده، ارتباطی نزدیک با مفاهیم عفت، مصونیت و حجاب دارد. ناهید حسینی (۱۳۹۱) طی بررسی نقوش البسه حاکمان در ایران، با رویکرد نشانه‌شناسی گفتمان، بیان کرد که نقش‌مایه‌های لباس شاه، وسیله‌ای برای مشروعیت بخشیدن به مسند قدرت است و در ادامه، به موضوع نشانه‌شناسی گفتمانی در نقوش سیمرغ و عقاب بر لباس شاه ساسانی را پرداخت. غزاله شریفی (۱۳۸۶) با موضوع بررسی نشانه‌شناسی لباس در فیلم‌های سینمایی و نوشین پاینده (۱۳۹۳) با موضوع تحلیل عکاسی مد با رویکرد نشانه‌شناسی، چگونگی استفاده از عکاسی مد را در صنعت پوشاک و طراحی لباس و مد مطرح کردند. طی بررسی‌های انجام‌شده، منابع موجود صرفاً گردآوری و ارائه داده‌ها و نظریات ثنوری هستند که تنها بخشی از موضوع را مد نظر قرار می‌دهند و به معرفی نشانه‌شناسی، تعاریف و دیدگاه‌ها می‌پردازند. تاکنون در هیچ‌یک از آثار، به‌طور تخصصی، پژوهشی درخصوص نشانه‌شناسی با تحلیل عناصر بصری برپایه ساختار، فرم، معناشناسی، شناخت و معرفی آیکون و هایپرایکون‌ها و جایگاه ارزشی و نمادین بر روی پوشاک سنتی اقوام ایرانی، صورت نگرفته است.

### بدنه تحقیق

#### تعاریف کلی نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی، نظامی ارتباطی است که با بررسی دلالت‌ها می‌توان آن را شاخه‌ای محوری از دانش نظام‌یافته ارتباطات دانست. در دانش ارتباطات، بحث از پیام، محوریت دارد. پیام، نشانه‌ای است که از یک منبع تولید نشانه‌ها به یک دریافت‌کننده نشانه یا مقصدی خاص انتقال داده می‌شود. هر منبع یا دریافت‌کننده، ممکن است موجودی زنده یا

دست‌ساخته بشر باشد؛ بنابراین، پوشاک، به‌عنوان یک نظام نشانه‌ای و ساخته بشر، می‌تواند حامل اطلاعاتی در ارتباط با فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب، تفکرات و اقتصاد باشد (قائم‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱). به گفته اکو، فرهنگ در بنیان خود، ارتباط است (عباس‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲۱). نشانه‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: نشانه‌های طبیعی و نشانه‌های مصنوعی. نشانه طبیعی، پدیده‌ای است که یا به‌طور طبیعی در محیط زندگی و طبیعت اتفاق می‌افتد، مانند موقعیت خورشید، شکوفه‌ها در فصل بهار یا توسط عامل انسانی به‌صورت غیرارادی ایجاد می‌شود، مانند کنش‌های ضمیر ناخودآگاه و شاخص‌های نژادی که ناانگیزخته هستند. نشانه مصنوعی، به‌صورت انگیزخته و قراردادی برای تولید معنا صورت می‌پذیرد یا برای یک کارکرد خاص زبانی و فرهنگی تولید می‌شود. نشانه مصنوعی سه گونه است: نشانه با مفهوم اولیه که لباس را پوششی برای محافظت می‌داند. نشانه با مفهوم ثانویه که فرایند معنادهی وابسته به ویژگی‌های نشانه‌شناختی شیء موردنظر است؛ نمایش نقش مایه بته جقه روی لباس، به‌عنوان نشانه نمادین از درخت سرو یا ماهی نگهبان درخت زندگی که در فرهنگ ایرانی جایگاه ارزشی دارد و سرو نیز نماد پایداری و ایستادگی است. نشانه ترکیبی هم مفهوم پوشش و هم کارکرد اجتماعی دارد و موجب تمایز لباس مشاغل از یکدیگر می‌شود، مانند لباس پلیس. با این توضیحات می‌توان گفت «نشانه، امری قراردادی است که از رابطه دلالت‌گری میان دال و مدلول به وجود می‌آید» (Guillemette, 2006)؛ اما آنچه امروزه به‌عنوان علم نشانه‌شناسی مطرح است، ریشه در آرای زبان‌شناس سوئیسی، فردینان دو سوسور<sup>۱</sup> و منطق‌دان آمریکایی، چارلز سندرس پیرس<sup>۲</sup> دارد که هرکدام، تعریفی از نشانه ارائه داده‌اند و از

بنیان‌گذاران دانش نشانه‌شناسی هستند (قائم‌نیا، ۱۳۸۵: ۶). نشانه‌شناسی، حرکت عمده خود را در اواخر دهه ۱۹۶۰ به‌سمت مطالعات فرهنگی آغاز کرد که تا حدی، نتیجه آثار نظریه‌پرداز فرهنگی پس‌اساختارگرا، رولان بارت، بوده است (چندلر، ۱۳۹۴: ۲۷). در این بخش، با ایجاز و اختصار، نشانه‌شناسی از دیدگاه این محققان بیان می‌شود.

### نشانه‌شناسی سوسور<sup>۳</sup>

فردینان دو سوسور (۱۹۱۰ م)، نشانه‌شناس ساختارگرا و بنیانگذار زبان‌شناسی نوین، معتقد است این علم، بخشی از روان‌شناسی اجتماعی است و می‌توان آن را شاخه‌ای از روان‌شناسی همگانی برشمرد. در این نظام، زبان، بخشی از نشانه‌شناسی است و از مهم‌ترین نظام‌ها محسوب می‌شود. با توجه به دیدگاه ساختارگراها در تحلیل آثار هنری، نمی‌توانیم نقد هرمونتیک داشته باشیم و یک متن هرچه باشد، می‌تواند یک معنا داشته باشد؛ بنابراین، از نظر سوسور، نشانه چیزی است که جای چیز دیگر می‌نشیند و به اصل آن ارجاع می‌دهد. سوسور، الگویی دوجهبی از نشانه ارائه می‌دهد. از دیدگاه او، نشانه بر سه مؤلفه دلالت دارد: دال (تصویر صوتی) و شکلی که نشانه به خود می‌گیرد، مدلول (مفهوم ذهنی) و رابطه بین این دو که به دلالت‌گری می‌رسد و نشانه را به آن ارجاع می‌دهند. آنچه میان دال و مدلول اهمیت بسیار دارد، قراردادی یا دل‌بخوایی بودن رابطه میان این دو است. به‌عنوان مثال، اگر روسری، دال باشد و مدلول آن را محافظت و پوشش در نظر بگیریم، باز نمود ذهنی پوشیدن را تداعی می‌کند. دوگانه‌های سوسور که پایه‌های روش او در تبیین نشانه‌ها قلمداد می‌شوند، عبارت‌اند از: دال و مدلول، هم‌زمانی و درزمانی، لانگ و

پارول و نظام همنشینی و جانشینی (عباس پور، ۱۳۹۰: ۱۱۴-۱۱۷). در پوشاک، روسری دال و پوشش، مدلول آن است که از منظر نشانه‌های اجتماعی و ایدئولوژیک در فرهنگ‌های مختلف، متغیر است. مطالعه در زمانی پوشاک، به سیر شکل‌گیری، تغییر و تحول لباس در یک اقلیم می‌پردازد و هم‌زمانی، مطالعه خویش را در

زمان حال، بدون رجوع به گذشته انجام می‌دهد. لانگ را می‌توان نظام پوشاک جهان و پارول را پوشاک اقوام قلمداد کرد. کفش و کلاه و روسری با یکدیگر نظام همنشینی دارند. جایگزینی روسری با کلاه، جانشینی است.

نمودار ۱- الگوی سوسور از نشانه (چندلر، ۱۳۹۴: ۴۲)



#### نشانه‌شناسی پیرس<sup>۴</sup>

به عقیده پیرس (۱۹۱۴ م)، نشانه‌شناسی، دانش بررسی پدیده‌های فرهنگی است که به نظام‌های نشانه‌شناسی تعلق دارند. پیرس به‌عنوان نشانه‌شناس مشهوری که از نظریاتش در مطالعات فرهنگی و مردم‌شناسی بسیار استفاده شده، الگوی سه‌وجهی را معرفی می‌کند و این طبقه‌بندی را بنیادی‌ترین تقسیم‌بندی نشانه‌ها می‌داند. از نظر پیرس، نشانه، چیزی است که تحت عنوانی برای شخصی، چیزی را بازنمون می‌سازد. در این دیدگاه، شخصی که نظاره‌گر است، در خوانش متن دخالت دارد و نشانه، تعیین بخشی از معنای خود را به عهده تفسیرکننده می‌گذارد. در نشانه‌شناسی پیرس، ارتباط دال و مدلول، قراردادی نیست (عباس پور، ۱۳۹۰: ۱۲۱). به نظر پیرس، سه نوع نشانه وجود دارد: ۱. نشانهٔ آیکونیک<sup>۵</sup>، در این نشانه، مدلول به‌خاطر شباهت به

دال یا اینکه تقلیدی از آن است، دریافت می‌شود. تشخیص مدلول با دیدن، شنیدن، لمس کردن یا بوییدن انجام می‌شود. دال به‌علت دارا بودن بعضی از کیفیات مدلول، شبیه آن است؛ مثل نقاشی چهره، ماکت و نام‌آوا. ۲. نشانه نمایه‌ای<sup>۶</sup>، در این نشانه، دال اختیاری نیست، بلکه به‌طور مستقیم به مدلول مرتبط است. این ارتباط می‌تواند مشاهده یا استنتاج شود؛ مثل انواع ضبط (عکس، فیلم) و نشانه‌های طبیعی (رعد، جای پا، انعکاس صدا). در نمایه رابطه علت و معلولی میان دال و مدلول برقرار است. ۳. نشانه نمادین<sup>۷</sup>، در این نشانه، دال شباهتی به مدلول ندارد؛ اما براساس قراردادی اختیاری، به آن مرتبط است. رابطه میان دال و مدلول باید آموخته شود؛ مثل زبان (زبان‌های خاص، حروف الفبا)، چراغ راهنمایی و پرچم‌ها (چندلر، ۱۳۹۴: ۶۶).

جدول ۱- مؤلفه‌های الگوی سه‌وجهی پیرس (سجودی، ۱۳۸۱: ۸۸)

موضوع (بژه)	که نشانه به آن ارجاع می‌دهد
نمود	صورتی که نشانه به خود می‌گیرد (الزاماً مادی نیست)
تفسیر	نه تفسیرگر، بلکه معنایی که از نشانه حاصل و تفسیر می‌شود

### نشانه‌شناسی بارت

رولان بارت، شاخص‌ترین چهره نشانه‌شناسی دلالت است. از مهم‌ترین دستاوردهایش، طرح و بسط دو مفهوم اساسی دلالت صریح و دلالت ضمنی است (فهمی‌فر، ۱۳۹۴: ۳۰). او معتقد است نظام پوشش، مجموعه‌ای نظام‌یافته از نشانه‌ها و قواعد است که یک زبان در حالت محض و صرف دارد. نوع خاصی از پوشاک یا مبلمان در ظاهر، چیزهایی نامتجانس هستند؛ اما بارت میان آن‌ها وجه مشترکی می‌بیند و همه آن‌ها را نشانه می‌داند. نوع لباس، بیانگر وضعیت مالی و موقعیت اجتماعی شخصی است که آن را پوشیده است (محمدی سیف، ۱۳۹۵: ۴۶). از نظر رولان بارت، نشانه‌شناسی، شاخه‌ای از زبان‌شناسی است و هر چیز، یک امر نشانه‌ای است که در خوانش این نشانه‌ها، اسطوره‌ها، فرهنگ‌ها، آیین‌ها و نمادها مورد توجه قرار می‌گیرند (چندلر، ۱۳۹۴: ۳۳). آداب و رسوم و نظام‌های قراردادی، مثل لباس و پوشیدن نوع خاص و خرید آن، همواره مورد توجه نشانه‌شناسان بوده است. در این مقاله، نگارندگان از لحاظ آشکارسازی معنایی، به شناسایی مؤلفه‌هایی از ابعاد فرهنگی و اجتماعی لباس و عناصر تزئینی و نشانه‌های نمادین در پوشاک اقوام می‌پردازند. البته از آنجا که حوزه بسیار وسیعی از تحقیقات را می‌توان به نشانه‌شناسی نسبت داد، نشانه‌شناسی دانشی است که می‌تواند بیشتر رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی را دربرگیرد و همه حوزه‌های فعالیت آدمی، از جمله شعر و موسیقی، معماری، آداب و رسوم، مد و تبلیغات را تا حدودی توجیه کند (کالر، ۱۳۹۳: ۱۱۲).

### معنایی نشانه و نماد

انسان، معنا را از طریق تولید و تفسیر نشانه‌ها به وجود می‌آورد. نشانه‌ها معمولاً به شکل کلمات، اصوات، تصاویر، بوها، حرکات و اشیا ظاهر می‌شوند؛ اما این چیزها ذاتاً معنادار نیستند و فقط وقتی که معنایی را به آن‌ها منتسب می‌کنیم، تبدیل به نشانه می‌شوند. در نظر پیرس، هیچ چیز نشانه نیست، مگر آنکه به‌عنوان نشانه تفسیرش کنیم. در واقع هر چیزی که به‌عنوان دلالتگر، اشاره‌گر به چیزی غیر از خودش تلقی شود، می‌تواند نشانه باشد. این استفاده معنادار از نشانه‌هاست که در کانون اهمیت نشانه‌شناسی قرار دارد (چندلر، ۱۳۹۴: ۴۱).

**آیکون:** نشانه‌ای است که در خود چیزی دارد که سبب شباهت آن با ابژه می‌شود. بسیاری از تصاویر، نام‌آواها، مفاهیم ذهنی و نشانه‌های قراردادی، به‌محض اینکه به نوعی با ابژه خود مرتبط گردند، آیکون محسوب می‌شوند. پیرس، اولین کسی است که آیکون را یکی از خصوصیات ذهن می‌داند. آیکون، نشانه‌ای است که ویژگی‌های معنادار شدن را دارد؛ زیرا می‌تواند متحوّل شود و راه توسعه را در پیش بگیرد. پس آیکون به‌دلیل حضور گفته‌پردازی و طی فرایندی حسی-ادراکی که در شکل‌گیری آن دخیل است، قدرت تحوّل و توسعه نشانه-معنایی دارد؛ همین امر، سبب بروز آیکون ناب می‌شود.

**هایپرآیکون:** پیشوند هایپر به معانی فرا، بالا و افراط است. هایپرآیکون، نشانه آیکونیک است که از آیکون بودن عبور کرده، تا مرز استعاره پیش می‌رود؛ اما در بسیاری از موارد، وجهی از آیکونیک بودن خود را حفظ می‌کند. در این حالت، نشانه بسط می‌یابد و از ابژه بیرونی و درونی فاصله می‌گیرد و تا مرز استعاره پیش می‌رود. هایپرآیکون، نشانه‌ای است که اصالت



دارد و به مرحل، اثبات رسیده است (شعیری، ۱۳۹۲: ۲۱۰). برای مثال، سگه بر روی لباس، به‌عنوان آیکونی است که در مبادلات اقتصادی، کاربرد و جایگاه ارزشی دارد. با قرار گرفتن این آیکون در نقش تزئین بر روی لباس که مفهوم اولیه آن محافظت و پوشش است، جایگاه و ارزش این ابژه بالاتر می‌رود و نظامی ارزشی را ایجاد می‌کند. در این حالت است که آیکون به هاپیرآیکون تبدیل می‌شود؛ یعنی یک ژانر سگه و یک ژانر لباس با هم ادغام می‌شوند تا یک لباس ارزش پیدا کند. این‌ها نه‌تنها دلالت بر فرهنگ و آداب و رسوم دارند، بلکه شخص را از یک ارزش فردی، به ارزشی اجتماعی می‌رسانند و طبقه اجتماعی خاصی را ایجاد می‌کنند. آیکون می‌تواند در لحظه و براساس رابطه‌ای حسی-ادراکی شکل بگیرد؛ یعنی قبل از اینکه ذهن بتواند ابژه‌ای را که علت شکل‌گیری حسی است، تشخیص بدهد، آیکون براساس رابطه یا قضاوتی حسی-ادراکی شکل می‌گیرد (همان: ۲۰۵). لباس‌های زنانه که بر روی آن‌ها سکه‌ها و گوه‌هایی دوخته می‌شود، صدایی زیبا و دلنشین در هنگام حرکت شخص ایجاد می‌کنند. این صدا در لحظه، یکی از حواس ما را تحریک می‌کند. قبل از اینکه در جست‌وجوی منبع صدا باشیم، این صدا فخر و ابهتی را برای شخص به همراه دارد.

### تحلیل توصیفی پوشاک اقوام لرستان و نشانه‌های آن

تزئینات، یکی از مظاهر تمدن و فرهنگ هر ملّتی است. وقتی از پوشاک قوم یا گروهی سخن به میان می‌آوریم، فرهنگ، تمدن و زبان پوشاک آن‌ها مورد توجه است؛ زیرا پیام‌ها، نشانه‌ها و سمبل‌هایی از فرهنگ و تمدن و همچنین باورهای آن‌ها را دربر دارد.

هر قوم و ملّتی، مظاهر تمدن و باورها و اعتقادات خود را به‌صورت سمبل‌هایی در پوشاک به نمایش می‌گذارند (غیبی، ۱۳۹۱: ۳۸۵) با این مقدمه، به معرفی پوشاک سنتی اقوام لرستان در سه بخش پوشاک مردان، زنان و ابزار فرهنگی می‌پردازیم تا نشانه‌های فرهنگی این اقوام مورد تحلیل قرار گیرد.

**پوشاک زنان:** گُلَوَی<sup>۸</sup> یکی از اجزای اصلی پوشاک زنان است. همراه با عرقچن<sup>۹</sup>، کُلنجه<sup>۱۰</sup>، جلیزقه<sup>۱۱</sup>، سرداری<sup>۱۲</sup> و بال<sup>۱۳</sup> کل<sup>۱۳</sup> انواعی از تن‌پوش هستند که در فصول سرد و جشن‌ها استفاده می‌شوند و به‌عنوان پوشش زنان لُر و لک شناخته شده‌اند. لَچک<sup>۱۴</sup>، می<sup>۱۵</sup>، تُنبان<sup>۱۶</sup> و جُوا<sup>۱۷</sup> به‌عنوان پوشش زنان منطقه بختیاری مطرح است.

**پوشش مردان:** کِلو<sup>۱۸</sup>، دِستار<sup>۱۹</sup>، کِپَنک<sup>۲۰</sup>، چُوقا<sup>۲۱</sup>، شال و سِتره<sup>۲۲</sup>، سرداری و آژیَه<sup>۲۳</sup> است (پهلوان، ۱۳۹۲: ۵۶-۷۸).

**ابزار فرهنگی:** شامل گُل کیف<sup>۲۴</sup>، ژیر ژَنق<sup>۲۵</sup>، بُن سَری<sup>۲۶</sup>، بُن سِزین<sup>۲۷</sup>، تول بند<sup>۲۸</sup>، بازوون<sup>۲۹</sup>، لالرزونه<sup>۳۰</sup>، مِلیانک<sup>۳۱</sup>، گُوه<sup>۳۲</sup> و پاوینک<sup>۳۳</sup> است. زنجیر زُلف<sup>۳۴</sup>، تریکه اناران<sup>۳۵</sup> و لیِرِه<sup>۳۶</sup> فقط نامی از آن‌ها باقی مانده است (رضی، ۱۳۹۲: ۳۲-۴۵).

### کارکردهای پوشاک اقوام

کارکرد اجتماعی: لباس می‌تواند جدا از نشانه فرهنگی، نشانه اجتماعی باشد که در اجتماع، انسان‌ها را از هم تفکیک می‌کند. الگوهای مختلف پوشش، با تبیین جایگاه فردی و اجتماعی، بیانگر سنت‌ها، ارزش‌ها و نوع فرهنگ در جامعه هستند. به‌عنوان مثال، نوع کلاه، با موقعیت، شغل، مذهب و نژاد افراد در ارتباط است.

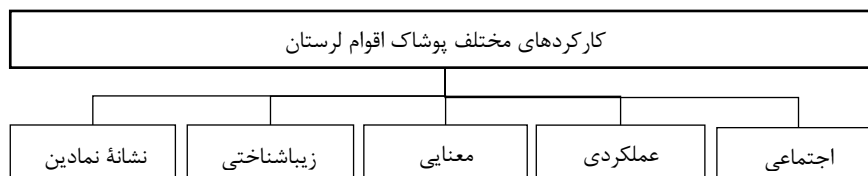
کارکرد عملکردی: لباس علاوه بر کارکرد پوششی، نقش حفاظتی داشته، برای مصون نگه داشتن بدن در برابر عوامل طبیعی به کار می‌رود (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۱۷).

کارکرد معنایی: اقوام با پوشش‌های مختلف، در نظام معنایی قرار می‌گیرند. سگه به‌عنوان آیکونی که ارزش اقتصادی دارد، با قرار گرفتن بر روی لباس، ارزش و جایگاه فردی و اجتماعی خاصی برای سوژه ایجاد می‌کند، هاپیرآیکون، معنای ابژه لباس را استعلا می‌بخشد.

کارکرد زیباشناختی: استفاده از تزیینات بر روی ابژه با کارکرد زیبایی‌شناختی، ابژه را به اثری تزیینی و امری زیبا تبدیل می‌کند که در طول ادوار گذشته تا امروز، خصوصاً در پوشاک سنتی همواره یکی از مسائل مهم و مطرح بوده است.

کارکرد نشانه‌ای نمادین: تعدادی از نمادهای آیکونیک با گذر زمان، حضور و کارکرد در فرهنگ اقوام، تبدیل به نشانه‌های نمادین می‌شوند و فرهنگ منطقه را بیان می‌کنند.

نمودار ۲- مدل تحلیلی از کارکرد مختلف پوشاک اقوام لرستان (منبع: نگارنده)



## تحلیل ساختاری

### پوشاک زنان

(۱) **گلنجه**: کتی مخملی بدون یقه، با آستین بلند، آستردوزی و جلو باز است. تزیینات سگه‌دوزی جلوی لباس را ندارد و فقط با یراق و نوار برودری دوزی طلایی‌رنگ تزیین شده است (قائد رحمت، ۱۳۹۳: ۴۶) (نشانه دیداری). جوهر اصلی فرم این ابژه، دو خط افقی و دو خط عمودی است که همدیگر را قطع می‌کنند و از قسمت طول و عرض برابر هستند. مربع، سمبل مادیت و دارای سنگینی و سختی فراوان و نماد زمینی و قدرت است. خصوصیتی دارد که می‌توان آن را با رنگ قرمز موافق دانست. بافت مخمل نخی با پرزهای لطیف با شرایط جغرافیایی و کوهستانی و وزن بصری و درخشش قرمز با بعد مادی و سختی مربع

هماهنگی دارد که در پوشش سنتی به‌شدت می‌درخشد.



تصویر ۱- گلنجه (منبع: نگارنده)

(۲) **بال کُل**: لباس رسمی زنانه، پیراهنی کمرچین، جلو باز که با پارچه ضخیم، دوخته و آستردوزی می‌شود. آن را در فصول سرد و مراسم عروسی



تصویر ۳- می نا (منبع: نگارنده)

(۴) **جلیقه:** این کت همانند کُنجه، اما کوتاه‌تر و بدون آستین است. در قسمت جلوی لباس، سگه‌هایی با تراکم زیاد، همراه با رشته‌ای از آویزه‌های مهرهای دیده می‌شود. جلیقه، سرداری، کُنجه، یل جزء لباس‌های ضخیم هستند که از پارچهٔ مخمل دوخته می‌شوند. لباس‌ها برای ضخیم شدن، آستردوزی و پنبه‌دوزی (آجیده‌دوزی) می‌شوند (قائد رحمت، ۱۳۹۳: ۴۸).

(۵) **گُلونی:** این روسری اغلب از جنس ابریشم است که علاوه بر پوشیده بودن، با زیبایی خاصی به دور سر پیچیده و گوشه‌های آن در پشت سر آویزان می‌شود. در ابعاد متفاوت از یک تا دو متر مورد استفاده قرار می‌گیرد. بزرگی آن تحت تأثیر موقعیت اجتماعی و سن است. در مراسم عروسی از سرون‌های رنگین که گاهی اوقات بلندی آن‌ها تا پشت زانوست، استفاده می‌کنند (پهلوانی، ۱۳۹۲: ۵۸).

می‌پوشند. آستینش تا حدود آرنج است (قائد رحمت، ۱۳۹۳: ۴۵) (نشانهٔ دیداری). از مشتقات مثلث، لوزی، دوزنقه و زیگزاگ است. تزیینات این ابژه به شکل زیگزاگ و هفت و هشتی، اشاره به کوه و وابستگی به طبیعت دارد. این اشکال دارای وزن و سنگینی خاص بوده، می‌توانند سمبل اندیشه و تفکر باشند و روشنی آن‌ها به‌اندازهٔ رنگ زرد است (ایتن، ۱۳۹۱: ۱۴۹). نارنجی و قرمز، معنی گرما در فصل زمستان و خاصیت جذب حرارت محیط و نگهداری آن می‌دهد (پورحسینی، ۱۳۸۴: ۶۸).

(۳) **می نا:** روسری زنان بختیاری است. پارچه‌ای مستطیل‌شکل که یک طرف آن را روی سر انداخته، دور سر می‌چرخانند و با سنجاق در یک طرف صورت ثابت می‌کنند. این روسری از رنگ‌های شاد و پارچه‌های حریر و تور است که در بعضی مواقع با سنجاقی در زیر گلو می‌بندند (پهلوانی، ۱۳۹۲: ۸۲) (نشانهٔ دیداری، حسی-ادراکی). ساختار این ابژه، از شکل مستطیل و دارای خصوصیات مربع است. روسری، یک آیگون است. حضور سگه بر روی آن، آیگون را به هایپرایکون ارتقا داده است. رنگ‌های گرم، آرامش نهفته در تابش خورشید را با خود دارند.



تصویر ۲- بال کُل (منبع: نگارنده)

جدول ۲- توصیف و تفسیر نشانه‌ها در لباس و عناصر تزئینی و نمادین در پوشاک اقوام لرستان (منبع: نگارنده)

اسم	تصویر موردنظر	نشانه	اسم نشانه	کارکرد	تفسیر
تصویر ۴- چلیقه با سگه‌دوزی (فرزین، ۱۳۸۶: ۱۴۶)			سگه	* اجتماعی * فرهنگی * زیبایی-شناختی * معنایی * هایپرایکون	فرم کلی لباس، با برش خطوط زاویه‌دار، گل میخک (گل خوشبو) و استفاده از تزئینات با تکنیک سوزن‌دوزی به شکل مستطیل است. قرمز تیره، رنگی گرم و نشان حرکت، زندگی و جلوه‌ای از زیبایی است. تکرارپذیری سگه‌ها از نشانه‌های بارز کارکرد مصرف در زنان این اقوام و از شاخص‌ترین تزئینات سنتی بر روی لباس است.
تصویر ۵- روسری رسمی، گوتی (منبع: نگارنده)		 	بته جقه چلیپا	* اجتماعی * فرهنگی * زیبایی-شناختی * عملکردی * نشانه‌نمادین	مربع با عدد چهار و ارزش مؤتث، با چلیپا و عنصر خاک در ارتباط است. چلیپا با اشاره به خورشید، از تأثیرگذارترین پدیده‌ها در زندگی است (عابد دوست، ۱۳۹۵: ۴۷). بته جقه، زیباترین تقسیم مساوی دایره است و اشاره به درخت دارد و نشانه‌ای از باروری و آفرینش است که به یکی بودن دعوت می‌کند (ذوبار، ۱۳۹۴: ۱۰۵). وحدت در کثرت نقوش هندسی، با مفهوم برکت و باروری آمیخته است (عابد دوست، ۱۳۹۵: ۴۳). چارچوب مربع و تقارن در رسم نقوش، با تأکید بر نقش زن با نشانه کارکردی (پوشش)، نشان از استحکام خانواده دارد.

### پوشش مردان

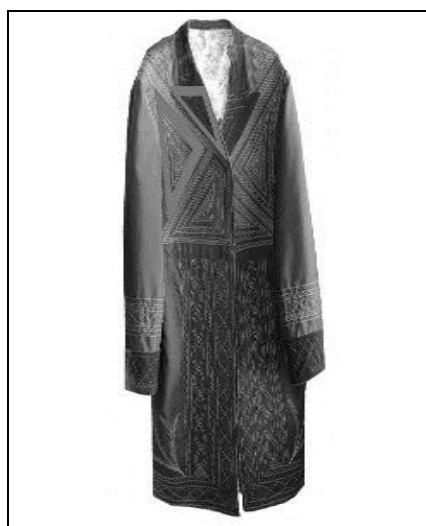
(۶) چوقا: بالاپوشی بلند و بدون آستین است. قد آن تا سر زانوهایست و از پشم طبیعی بافته می‌شود. زمینه‌ای سفید یا شیری‌رنگ با خطوط راه‌راه عمودی دارد که خطوط به رنگ آبی تیره یا مشکی هستند. در گذشته این لباس، خاص مردم لرستان بوده، اما بعدها میان بختیاری‌ها رایج شده است (قاضیانی، ۱۳۷۶: ۱۰۰) (نشانه دیداری). ساختار این ابژه با کارکردی اجتماعی، به شکل مستطیل است. خط افقی در مرکز،

دو مربع را ایجاد می‌کند و نمادی از استحکام و صلابت است. کنتراست تیرگی با روشنی، دو سطح تقابلی هستند که مفاهیم ابتدا و انتها، خوبی و بدی را تداعی می‌کنند. خطوط عمودی راه‌راه و لگه بصری رنگ سیاه در بالا و رنگ زرد طلایی در فضاهای منفی و پاساژ میان سطح و خطوط سیاه، جسارت، شجاعت و دلیری را بازنمون می‌سازد. بافت طبیعی و زبر پشم، مقاومت را منعکس می‌کند.

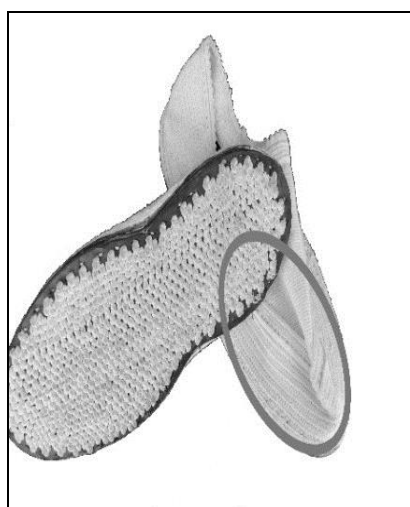
کارکرد اجتماعی و عملکردی از شکل دایره پدیدار شده است. شکل‌های منحنی، بیضی و امواج دارای شخصیت دایره هستند. حرکت و پایداری، روانی دایره روی سطح را نشان می‌دهد. سمبل خورشید، به معنای روح و روان به کار می‌رود. با مفهوم زمان حرکت پیوسته و مدور آسمان که با الوهیت نیز در ارتباط است (عابد دوست، ۱۳۹۵: ۴۳) رنگ آبی، دایره را تداعی می‌کند و ویژگی‌های دایره را دارد و نماد ایمان، اعتقادات مذهبی و آرامش است (افشار مهاجر، ۱۳۸۲: ۶۵). نشانه دیداری و لمسی (ارتباطی) در بافت طبیعی پنبه‌ای و پشمی استفاده شده که با راحتی و سبکی (سهولت در پوشیدن) همراه است.



تصویر ۶- چوفا (منبع: نگارنده)



تصویر ۷- ستره، (منبع: نگارنده)



تصویر ۸- گیوه، (منبع: نگارنده)

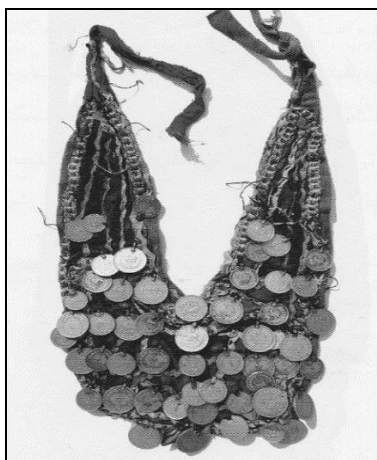
(۷) **سِتره:** قباي مخصوص مردان عشایر، بالاپوشی است که در قسمت پشت کمر، تعدادی چین دارد و بلندای آن تا زانوهاست. معمولاً با طرح‌های گل‌دار (نقش‌دار) و رنگ‌های شاد دیده می‌شود. گل‌دار بودن لباس مردانه، فقط ویژه اقوام لر نیست، بلکه دارای ریشه تاریخی است. این لباس، دو نوع یقه‌دار و بدون یقه دارد. برای ایستایی لباس، قسمت‌هایی از آن چرخ‌دوزی می‌شود (قائد رحمت، ۱۳۹۳: ۷۵) (نشانه دیداری). ساختار این ابژه با کارکرد اجتماعی و فرهنگی به شکل مثلث که از تقاطع سه خط مورب به وجود آمده، حالتی از جنگجویی و حمله را نشان می‌دهد و با رنگ زرد برابر و هم‌خاصیت است. مثلث با رأس به سمت بالا، نمادی از آتش و جنس مذکر است (عابد دوست، ۱۳۹۵: ۴۴). رنگ آبی لاجوردی، از دیرباز در فرهنگ ایرانی کارکرد داشته است. بافت نخی با سطح یکدست و آستین به صورت عمودی و کشیده، نشانی از استحکام و صلابت است.

(۸) **گیوه:** کفش سنتی مردان که رویه آن با نخ پنبه‌ای و پشمی بافته می‌شود. تنوع گیوه به دلیل جنس زیره آن است و مرغوب‌ترین آن‌ها گیوه‌ای است که زیره آن از تگه‌های کرباس به هم پرس شده باشد. اگر سطح آن با نخ ضخیم پنبه‌ای دوخته شود، به آن آژیه گویند (قائد رحمت، ۱۳۹۳: ۶۳). این ابژه با

## ابزارهای فرهنگی



تصویر ۹- پاوینک (منبع: نگارنده)



تصویر ۱۰- میلونه (قائد رحمت، ۱۳۹۳: ۵۰)

(۹) **پاوینک**: تزئین دم‌پای شلوار زنانه که از پارچه مخمل ضخیم و آستردوزی شده با عرض ۴ الی ۸ سانتی‌متر و طول دم‌پا شلوار دوخته می‌شود. آن را به دم‌پا می‌دوزند یا با دکمه وصل می‌کنند. روی آن با منجوق، سکه و مهره تزئین می‌شود (قائد رحمت، ۱۳۹۳: ۵۱) (نشانه دیداری). رنگ و خط در جهت افقی، با احساسی از آرامش و اعتدال، رابطه مناسبی را از منظر دیداری و زیبایی‌شناسی با سایر خطوط و عناصر یک ترکیب‌بندی به نمایش می‌گذارد. اگر رنگ در جهت مورب، با خط افقی و عمودی، زاویه ۴۵ درجه بسازد؛ یعنی در حد میانه، افقی و عمودی باشد، خنثی خواهد بود. سبز و قرمز معتدل، رنگ مناسب برای جهت مورب است (افشار مهاجر، ۱۳۸۲: ۲۱) شکل مثلث اشاره به کوه، درختان و طبیعت دارد و قرار گرفتن رنگ‌های سرد و گرم در کنار هم، به نوعی حالتی متعادل را ایجاد می‌کند.

(۱۰) **میلونه**: گردن‌بند پارچه‌ای به شکل یقه لباس که از پارچه مخمل ضخیم دوخته و آستردوزی شده است. با استفاده از نوارهای رنگی و سکه تزئین و با دکمه در زیر گلو بسته می‌شود (قائد رحمت، ۱۳۹۳: ۴۹) (نشانه شنیداری و حرکتی). حضور سکه بر روی این آیکون، آن را به هایپرایکون توسعه داده و نشان‌دهنده شأن و جایگاه اجتماعی افراد است. در عین حال، صدا، معنا و مفهوم را همراه با کارکرد زیبایی‌شناختی ایجاد می‌کند. همه این ابژه‌ها که به‌عنوان ابزار فرهنگی در پیوند با لباس قرار می‌گیرند، ارزش فرهنگی، انسانی و اجتماعی به شخص می‌دهند و نظام ارزشی خاص فردی و اجتماعی ایجاد می‌کنند.

(۱۱) **میلون**: میلینک یا گردن‌بند، انواع مختلفی دارد. نوعی گردن‌بند لوله‌ای که کاربرد اعتقادی آن قرار دادن آیات قرآن بوده است. نوع دیگر آن، گل میخک است. به‌دلیل دارا بودن خاصیت پزشکی و خوشبو بودن، کاربرد داشته و رایج‌ترین گردن‌آویز بوده است (رضی، ۱۳۹۲: ۳۳).

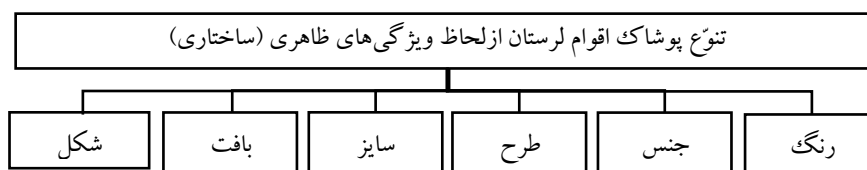
(۱۲) **لالرزونه**: نوعی سرآویز که به‌وسیله زنجیری، دو قطعه فلز را با اشکال مختلف، در دو طرف صورت در کنار گوش آویزان نگه می‌دارد که روی سربند قابل استفاده است. تزئیناتی که کنار گوش قرار می‌گیرند، از گوشواره‌های معمولی، بسیار بزرگ‌تر و سنگین‌تر هستند. علت استفاده از چنین زیورآلاتی، تمایل به نمود بیشتر فرد از نظر موقعیت اجتماعی بوده است (همان: ۴۴).

جدول ۳- توصیف و تفسیر نشانه‌ها در ابزارهای فرهنگی در پوشاک اقوام لرستان (منبع: نگارنده)

اسم	تصویر موردنظر	نشانه	اسم نشانه	کارکرد	تفسیر
تصویر ۱۱- میلون (منبع: نگارنده)			سنگ مهره‌های اعتقادی	اجتماعی فرهنگی معنایی عملکردی	استفاده از رنگ، جنس و مواد مختلف در هر مهره‌ای، کاربردی متفاوت دارد. مهره سفید: مایه خیر و برکت. مهره آبی گزک: جنبه اعتقادی، دفع انرژی منفی و چشم‌زخم، کارکرد عملکردی دارد. مهره زرد: جنبه درمانی، برای دوری از بیماری، کارکرد معنایی. مهره سیاه: باعث آرامش می‌شود.
تصویر ۱۲- لارزون، زن عشایر با تزیینات سگه‌دوزی و آویزهای سگای (فرزین، ۱۳۸۶: ۱۴۷)			شکل هندسی مثلث	اجتماعی فرهنگی زیبایی‌شناختی نشانه نمادین	مثلث با عدد سه، سطح و عنصر آتش در ارتباط است و با سه رأس خود، نشانی از طبیعت سه‌گانه دارد. این مثلث با رأس رو به بالا، نماد مذکر در کنار دایره، به‌عنوان نماد آب و دارای اصل مادانه مؤنث قرار گرفته است (عابد دوست، ۱۳۹۵: ۴۴). این گونه تزیینات بزرگ، با نگینی در وسط، با تصویر انتزاعی از چشم یا خورشید و کاربرد اعتقادی به‌منظور نشان دادن جایگاه اجتماعی افراد است.

با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و یافته‌های محققان، یک مدل تحلیلی از تنوع پوشاک این اقوام و عوامل مؤثر در آن ارائه شد.

نمودار ۳- مدل تحلیلی از عوامل مؤثر در ویژگی‌های ظاهری پوشاک اقوام لرستان، (منبع: نگارنده)



### نتیجه‌گیری

پس‌اساختارگرا می‌توان عوامل جنبی نظیر: بافت اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی را در زیست‌بوم لرستان مورد واکاوی قرار داد و ارتباط این مؤلفه را با ساحت زیبایی‌شناختی پوشاک اقوام بررسی کرد. پس از مطالعه بر روی نمونه‌های موردی، این نتیجه حاصل شده است که میان نظام معنایی مستتر در پوشاک با فرهنگ بومی اقوام، ارتباطی معنادار وجود دارد و

نشانه‌شناسی دانشی است که می‌توان از آن برای خوانش نظام ساختاری و معنایی پوشاک بهره گرفت. این پژوهش براساس نشانه‌شناسی پوشاک اقوام لرستان انجام شده و نقش‌مایه‌ها را در ارتباط با لایه‌های معنایی مورد بررسی قرار داده است. با عبور از نشانه‌شناسی کلاسیک و براساس نشانه‌معناشناسی

مضامین نشانه‌های نمادین، همسو با کهن‌الگوها و فرهنگ و آیین، متجلی شده است. نشانه‌شناسی همواره زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که با تفسیر و تأویل لایه‌های متنی، به خوانش رمزگان‌های نقش بسته در متن هنری بپردازیم. در این مقاله، با تحلیل‌های صورت‌گرفته، به دلالتگری میان دال و مدلول در اندیشه ساختارگرایی سوسور و همچنین به تقسیم‌بندی نشانه‌های صریح و ضمنی رولان بارت در پوشاک بومی اقوام لرستان و درنهایت، با تمرکز بر اندیشه‌های چارلز سندرس پیرس درباره آیکون‌ها، به نظام ارزشی نشانه و نمادها پرداختیم. نظام معنایی که در لایه‌های ساختاری لباس نهفته است، از عناصر بصری فرم، نظیر: اشکال ظاهری، خطوط، رنگ، بافت، اندازه و... پدیدار می‌شود و نشان می‌دهد که شرایط اقلیمی، فرهنگی و مذهبی، آداب و رسوم و اعتقادات و باورهای آیینی به‌عنوان عوامل مؤثر در شکل‌گیری فرم منحصربه‌فرد پوشاک اقوام لرستان، نقش بسزایی دارند. بر این اساس، پوشاک اقوام لرستان، وجه تشابهاتی با سایر اقوام هم‌جوار کرد و بختیاری نیز داشته است. البته پیام‌های ارتباطی در تصاویر، دارای نشانه‌های خاصی است که این پوشاک را از پوشاک اقوام دیگر متمایز می‌کند. از این وجوه تمایز، می‌توان به اسلوب رنگ، جنس، طرح، بافت و نام‌های بومی و محلی اشاره کرد. یکی از نشانه‌های بارز در پوشاک زنان، تزیین لباس با سکه و تراکم زیاد بر روی تعدادی از لباس‌ها و عناصر است که علاوه بر کارکرد زیباشناختی، حکایت از موقعیت اجتماعی و اقتصادی افراد دارد. چیدمان سکه‌ها بر روی لباس، با توجه به ارزش آن‌ها، از بالا به پایین نیز تأثیرگذار بوده است. این آیکون با حضور خود، ارزش لباس را ارتقا می‌دهد. نشانه‌های به‌کاررفته در پوشاک، در گذر زمان و کارکرد در

فرهنگ بومی، به نشانه‌های نمادین و هایپرایکون استعلا یافته‌اند تا ضمن این دگرگونی، نمایانگر آیین و فرهنگ این منطقه باشند. شناخت حسی-ادراکی نشانه و نمادها با نشانه‌های دیداری، شنیداری و حرکتی که در مجموعه پوشاک اقوام صورت پذیرفته، حاوی کارکرد اجتماعی، فرهنگی، همراه با کارکرد زیباشناختی است. این مهم همواره از اصول تعینی در شکل‌گیری و گسترش فرهنگ و هنر سنتی بومی است. در تمامی نمونه‌ها، کارکرد زیباشناختی، محور اصلی استفاده بوده است. البته تعدادی محدودی از مهره‌ها با اسامی و رنگ‌های مختلف، جنبه اعتقادی و درمانی داشته‌اند و به نوعی خاصیت کاربردی (عملکردی و معنایی) آن‌ها مد نظر بوده است تا جنبه زیبایی. این دسته، از سایر موارد کمترند، اما دارای اهمیت هستند. نکته مهم در پوشاک مردان، کارکرد عملکردی آن‌هاست. استفاده از الیاف (پشم و پنبه) که نقش حفاظتی در برابر عوامل طبیعی دارد و دارای مقاوت زیادی است، با توجه به بوم منطقه، اهمیت دارد. رنگ لباس که از الیاف طبیعی است، با توجه به محل زندگی و در دسترس بودن مواد اولیه، فرق دارد. از لحاظ مشخصات ظاهری، لباس مردان و زنان، از اسلوب ساده هندسی، گشاد (راحت) و بلند برخوردارند و در طراحی نقوش این البسه، از اشکال دوبعدی استفاده گردیده است. پالت رنگی خاصی که از طبیعت و نشانه‌های طبیعی منطقه الگوبرداری شده، در طراحی پوشاک اقوام استفاده شده است. با توجه به اهمیت هنر بومی اقوام در دوره پست‌مدرن و چالش‌های فرهنگی-هویتی انسان معاصر، لازم است برای اعتلای فرهنگ اقوام و لباس مناطق مختلف ایران، همچون اقوام لر که بخشی از هویت ملی، قومی و فرهنگی کشور است، گام برداریم و نمادها و



پوشش‌های سنتی اقوام را حفظ کنیم و نسل به نسل به آیندگان برسانیم. به نظر می‌رسد می‌توانیم با مطالعه و تحلیل نشانه‌ها در پوشاک سنتی این اقوام و

با نوآوری طراحان و شناخت بازار هدف، زمینه‌ساز عرضه و ترویج تولیدات فرهنگی در بستر پوشاک اصیل ایرانی باشیم.

پی‌نوشت:

1. Ferdinand Saussure
2. Charles Sanders Peirce
3. Semiology
4. Semiotics
5. Icon
6. Index
7. Symbol
8. Golvani
9. Araghchan
10. Kolenja
11. Jelizqa
12. Serdari
13. Balkol
14. Lachak
15. Mi na
16. Tonban
17. Gua
18. Kelao
19. Dastar
20. Kapenak
21. Choqa
22. Setra
23. Azie
24. Golkif
25. Zir zanaq
26. Bonsari
27. Ban sizen
28. Tolvan
29. Bazuvan
30. Lalar zona
31. Melvanak
32. Gu
33. Pavinak
34. Zangir zolf
35. Terika anaran
36. Lir

## فهرست منابع

- آهنگر، عباسعلی، ناهید محمدعلی‌نژاد، پاکزاد یوسفیان و موسی محمودزهی (۱۳۸۹)، بررسی نشانه‌شناختی پوشاک و خوراک بلوچی، مجله مطالعات اجتماعی اقوام، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹-۳۲.
- افشار مهاجر، کامران (۱۳۸۲)، رنگ‌شناسی، چاپ اول، تهران: شقایق روستا.
- ایتن، یوهانس (۱۳۹۱)، هنر رنگ، ترجمه عربعلی شروه، چاپ نهم، تهران: یساولی.
- احمدی، بابک (۱۳۹۴)، از نشانه‌های تصویری تا متن، تهران: مرکز.
- بارت، رولان (۱۳۹۴)، اتاق روشن: اندیشه‌هایی درباره عکاسی، ترجمه نیلوفر معترف، تهران: چشمه.
- پهلوانی، لیلا (۱۳۹۲)، مستندنگاری البسه محلی لرستان، اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان لرستان.
- پورحسینی، مزده (۱۳۸۴)، معنای رنگ رویکردی جدید به دنیای رنگ‌ها، چاپ اول، تهران: هنر آبی.
- پاینده، نوشین (۱۳۹۳)، تحلیل عکاسی مد با رویکرد نشانه‌شناسی (بررسی عکس‌های ریچارد اودون براساس نظریه نشانه‌شناسی رولان بارت)، دانشگاه علم و فرهنگ، دانشکده هنر، زهرا حسین‌نژاد و مجتبی آقایی، طراحی پارچه و لباس.
- چندلر، دانیل (۱۳۹۴)، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، چاپ پنجم، تهران: سوره مهر.
- حسینی، ناهید، محمدحسین همافر و فرزانه سجودی (۱۳۹۱)، نشانه‌شناسی گفتمانی در نقوش سیمرغ و عقاب بر لباس شاه ساسانی، فصلنامه هنرهای تجسمی نقش‌مایه، سال پنجم، شماره ۱۴، صص ۲۹-۴۰.
- ذویاور، حامد، مهنوش وحدتی و مهدی مکی‌نژاد (۱۳۹۴)، معانی نمادین نقش‌مایه بته جقه، فصلنامه کیمیای هنر، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۹۹-۱۱۳.
- رضی، مهدی (۱۳۹۲)، مستندنگاری زیورآلات سنتی استان لرستان، اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان لرستان.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۱)، نشانه و نشانه‌شناسی، بررسی تطبیقی آرای سوسور، پیرس و اکو، مجله زیباشناخت، شماره ۶، صص ۸۳-۱۰۰.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۹)، لباس به‌مثابه هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره ۲، صص ۳-۳۰.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۲)، نشانه‌معناشناسی دیداری، تهران: سخن.
- شریفی، غزاله (۱۳۸۶)، بررسی نشانه‌شناسی لباس در فیلم‌های سینمایی، شیرین بزرگمهر، دانشگاه الزهراء، ارتباط تصویری.
- عابد دوست، حسین و زیبا کاظم‌پور (۱۳۹۵)، تحلیل ریشه‌ها و مفاهیم نقوش هندسی معماری دوره اسلامی در هنر کهن ایرانی، فصلنامه نگارینه هنر اسلامی، دوره سوم، شماره ۱۰، صص ۴۱-۵۸.
- عباس‌پور، ابراهیم (۱۳۹۰)، درآمدی بر نشانه‌شناسی، فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۵، صص ۱۰۹-۱۳۸.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۹۱)، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، چاپ چهارم، تهران: هیرمند.
- فرزین، علی‌رضا (۱۳۸۶)، سیمای طبیعی تاریخی لرستان، چاپ اول، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان لرستان.
- قائم‌نیا، علی‌رضا (۱۳۸۵)، نشانه‌شناسی و فلسفه زبان، فصلنامه ذهن، شماره ۲۷، صص ۳-۲۴.
- قائد رحمت، عیسی (۱۳۹۳)، لباس لرهای فیلی در استان‌های لرستان، ایلام و کرمانشاه، چاپ اول، قم: مطیع.
- کالر، جاناتان (۱۳۹۳)، فردینان دوسوسور، ترجمه کورش صفوی، چاپ چهارم، تهران: هرمس.
- کارکن جلال، راضیه (۱۳۹۱)، نشانه‌شناسی پوشاک ایرانیان در دوره قاجار، مرتضی بابک معین، دانشکده هنر ادیان و تمدن‌ها اصفهان، پژوهش هنر.

- کاکاوند، شمسی (۱۳۹۴)، نشانه‌شناسی پوشاک زنان قوم کرد کرمانشاه (مطالعه موردی پوشاک معاصر زنان کرد کرمانشاه)، علی اصغر فهیمی‌فر، دانشگاه هنر، پژوهش هنر.
- گیلیمت، لوسی و ژوسین کوزت (۱۳۸۵)، فرایند نشانه‌شناختی و طبقه‌بندی نشانه‌ها بنابر نشانه‌معناشناسی امبرتو اکو، ترجمه مطهره مرادیان سرخی.
- محمدی سیف، معصومه (۱۳۹۵)، نشانه‌شناسی در پوشاک زنان ترک و کرد در ایران، چاپ اول، تهران: جامعه‌شناسان.
- یارشاطر، احسان (۱۳۸۳)، پوشاک در ایران زمین، از سری مقالات دانشنامه ایرنیکا، ترجمه پیمان متین، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

- Afshar mohajer, Kamran (2003), Colorology, (1nd ed), Tehran: Shaghayegh Rosta .
- Ahmadi, Babak (2015), from pictorial signs to the text: toward the semiotics of visual communication, Tehran: markaz .
- Abed-doust, Hossein and Ziba Kazempour (1395/2016), Analysis of the Roots and Concepts of Geometric Patterns of Islamic Architecture in Ancient Iranian Art. *Negarineh Islamic Art* (Scientific and Promotional Journal), Vol. 3, (10), 43-44-47-48.
- Abbas pour, Ebrahim . (2011). An Introduction to Semantics, Islam and Social Sciences, No: 5. (vol: 3), PP: 114 - 117-121 .
- Barthes, Roland. (2015). Camera Lucida: reflection on photography , Tehran: cheshmeh .
- Chandler, Daniel. (1952). The basics semiotics, M. Parsa, 2015, Tehran: Sooremehr.
- Culler, Jonathan D. (1944). Ferdinand de Saussure, K. Safavi, 2014, Tehran: Hermes .
- Eaton, Johannes (1391 Hj./2012). The Art of Colors. translated by Arabali Sherveh, 9th edition, Tehran: Yasavi.
- Farzin, Ali-Reza . (2007). Lorestan Natural and Historical Stance, Directorate of Cultural Heritage, Tourism of Lorestan Province .
- Gheibi, Mehrassa . (2012). Eight thousand years of Iranian ethnic clothing, Tehran: Hirmand .
- Ghaedrahmat, Esa. (2014). Lori - Fili Clothing in Lorestan ,Ilam and Kermanshah Provinces, (1nd ed), -Ghom: Motee .
- Hosseini, Nahid (2012). Discourse semiotics in phoenix and eagle motifs on Sassanid king costumes; Mohammad Hossein Homafar and Farzan Sojudi. *Naghsh Mayeh* (Scientific and Research Journal of Visual Arts), Year 5, Issue 14.
- Karkan jalal, Razieh. (2012). Semiology of Iranian clothing in the Qajar period, m , Babak moein, Master's thesis. Isfahan Art University, Faculty of Arts, Religions and Civilizations.
- Kakavand, Shamsi. (2015). Semiotics of Kurdish Women's Clothing in Kermanshah (*Case Study of Contemporary Kurdish Women's Clothing in Kermanshah*). Ali Asghar Fahimifar, University of Arts, Art Research.
- Lucie Guillemette et Josiane Cossette (2006), « Le processus sémiotique et la classification des signes », dans Louis Hébert (dir.), Signo [en ligne], Rimouski (Québec).  
Le processus sémiotique et la classification des signes,  
<http://www.signosemio.com/eco/processussemiotique-et-classification-des-signes.asp>.
- Mohammad Ali Nejad, Nahid . (2010), semiotic study of Baluchi clothing and food, ahangar, abbas ali, Sistan and Baluchestan University , General Linguistics.
- Mohammadi seif, Masoumeh . (2016). The sign of identification for Turkish and Kurdish feminine clothings ,(1 nd ed) , Tehran: Jameeshenasan.
- Pahlavani, Leila. (2013). Documentation of Lorestan local clothing, Directorate of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Lorestan Province .
- Pour Hosseini, Mozhddeh (2005). The meaning of color, A new approach to the world of colors. 1st ed., Tehran: Honar-e Aabi (Blue Art).

- Payandeh, Nooshin (2014). Analysis of fashion photography with a semiotic approach (a study of Richard O'Donoghue's photographs based on Roland Barthes's theory of semiotics). University of Science and Culture, Faculty of Arts, Zahra Hosseinejad and Mojtaba Aghaei, textile and clothing design.
- Qaemina, Ali-Reza. (2006). Semiotics and Language Philosophy, *Zehn*, No:27 , PP:11
- Razi, Mehdi. (2013). Lorestan Province Traditional Jewelry Documentation, Directorate of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts of Lorestan Province .
- Sojoodi, Farzan. (2002). Sing And Semiotic - A comparative Study of Saussure's, Peirce and Eco Views, *NoorMags*, No: 6. (first half of the year). PP:88.
- Sojudi, Farzan. (2010). Clothing as Identity. *National Studies Quarterly*, 42, Year 11, Issue 2, 13.
- Shaeri, Hamid- Reza . (2013). Sign of Visual Semantics, Tehran: Sokhan .
- Sharifi, Ghazaleh (2007). Investigation of clothing semiotics in movies. Shirin Bozorgmehr, Al-Zahra University, video communication.
- Yar Shater, Ehsan (2004). Clothing in Iran. From the series of articles in Iranica encyclopedia, translated by Peyman Matin, 2nd ed., Tehran: Amir Kabir.
- Zo-yavar, Hamed; Vahdati, Mahnoosh, & Makinejad, Mehdi (2015). Symbolic meanings of the motif of Bote-joghheh (Persian pickles). *Kimya-ye Honar* (Scientific and Research Journal), 4th year, (15), 105.